



20.1001.1.29809185.1402.2.2.6.2

عقیده امامت در کلام امامان شیعه در سده نخست هجری

غلامعلی مقدم^۱ فاطمه خدابخشی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴

چکیده

عقیده امامت از مهمترین عقاید شیعه امامیه است که از سوی برخی اسلام‌شناسان غربی و متجددین مسلمان مورد تردید قرار گرفته است. آن‌ها بر این باورند که ائمه علیهم‌السلام در سده نخست از این عقیده سخنی به میان نیاورده‌اند و این باور در اوایل سده دوم شکل گرفته است. پژوهش حاضر با هدف دستیابی به گستره بحث امامت، به بررسی درون‌دینی این مسئله پرداخته تا پاسخی برای این سؤال یابد که آیا ائمه علیهم‌السلام در سده نخست از این عقیده سخن گفته‌اند؟ پس از واکاوی روایاتی که با موضوع امامت از سده نخست به یادگار مانده و در کلام امام علی علیه‌السلام تا امام محمد باقر علیه‌السلام نقل شده نتایجی برخلاف نظر شکاکان به دست آمد. این نتایج به وضوح نشان می‌دهد ائمه علیهم‌السلام از همان آغاز، عقیده امامت را به صورت کامل بیان کرده‌اند. در واقع آنچه حضرت علی علیه‌السلام در آغاز سده نخست بیان کرده‌اند، از ائمه علیهم‌السلام پس از ایشان نیز نقل گردیده است. آنان نه تنها از جایگاه و اهمیت اعتقاد به این مسئله سخن گفته‌اند بلکه به ویژگی‌های امام چون انتصاب از سوی خدا، علم و عصمت اشاره کرده و به تعداد ائمه علیهم‌السلام و نام امامان پس از خود نیز تصریح کرده و به تبیین عقیده مهدویت هم پرداخته‌اند. این یافته‌ها پس از جمع‌آوری به روش توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمد.

کلیدواژگان: کلام ائمه علیهم‌السلام، عقیده امامت، پیشینه عقیده امامت، سده نخست هجری.

۱. استادیار گروه فلسفه دانشگاه علوم اسلامی رضوی / Dr.Moghadam@razavi.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد کلام اسلامی، دانش آموخته مؤسسه علمی تحقیقی مکتب نرجس علیها‌السلام (نویسنده مسئول) /

khodabakhshifatema@gmail.com

* مقدم، غلامعلی و خدابخشی، فاطمه. (۱۴۰۲). «عقیده امامت در کلام امامان شیعه در سده نخست»، دوفصلنامه

پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۲، صص ۱۵۴-۱۳۹.



مقدمه

از نظر شیعه امامیه، امام تمام خصوصیات پیامبر ﷺ جز دریافت وحی را داراست. با وجود احادیث مشهور نبوی در این زمینه سایر فرق مسلمان مقام امامت را در حد یک مقام دنیوی تنزل می‌دهند؛ به این معنی که مقام امامت الهی توسط افراد جامعه بشری تعیین می‌گردد.

اختلاف اقلیت شیعه با سایر فرق مسلمان در بحث امامت، سبب شک و تردید برخی پژوهشگران غربی و اسلامی در این زمینه شده است. آن‌ها پس از بررسی مسئله به این نظریه رسیده‌اند که عقیده امامت از اوایل سده دوم شکل گرفته است. از جمله این افراد مارشال هاجسون مستشرق آمریکایی و ویلفرد مادلونگ استاد تاریخ دانشگاه آکسفورد است (هاجسون، ۱۳۹۸، ۲۵؛ مادلونگ، ۱۳۷۷، ۱۲۸). ایشان امام جعفر صادق (ع) را نظریه‌پرداز عقیده امامت می‌دانند. البته عده محدودی از پژوهشگران شیعی نیز به نتایج مشابهی دست یافته‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، ۳۹؛ کدیور، ۱۳۸۵، ۵۷۶).

عقیده امامت اساس مکتب تشیع است که اگر مورد تردید قرار گیرد اساس مذهب متزلزل می‌شود. بنابراین بررسی صحت این نظریه نه تنها ضروری، بلکه واجب است. در تلاش‌هایی که پیش از این در پاسخ به این نظریه صورت گرفته گاه تنها به واکاوی و نقادی نظریه پرداخته شده است. چنان که کتاب «نقد و بررسی نظریه تطور تاریخی تشیع» تألیف مجمع عالی حکمت اسلامی با رویکردی سلبی، نظریه مطرح شده از سوی مدرسی طباطبایی را در بوته محک صاحب‌نظران قرار داده و آن را از نظر روش و محتوا نقد کرده است. کتاب «مقامات امامان» با قلم مصطفی سلیمانان نیز با رویکرد نقد همین نظریه، ولی به شیوه اثباتی به اثبات برخی ویژگی‌های امام پرداخته است. حاصل بعضی از این پژوهش‌ها نیز بررسی تاریخی مسئله است. چنان که کتاب «نقش عناصر تاریخی در تبیین عقاید اهل بیت (ع)» که حاصل تلاش مصطفی مطهری است تنها به بررسی عوامل مؤثر تاریخی در شکل‌گیری عقاید تشیع پرداخته است. مقالات متعددی نیز در پاسخ به نظریه مطرح شده از سوی مدرسی طباطبایی، به رشته تحریر درآمده که تنها به نقد این نظریه پرداخته است.

نگاهی به روش مطالعاتی اسلام‌شناسان غربی و متجددین مسلمان نشان می‌دهد روش آن‌ها در بررسی این مسئله اغلب برون‌دینی بوده و بر مبنای تواریخ ثبت‌شده اهل سنت است. در حالی که برای یافتن پاسخ این سؤال که آیا ائمه علیهم‌السلام در سده نخست از عقیده امامت سخن گفته‌اند؟ باید به سراغ متون روایی رفت و پاسخ را مستقیماً از کلام ائمه علیهم‌السلام دریافت کرد.

پژوهش حاضر با تأمل در منابع روایی شیعه و سنی کوشیده با نگاهی درون‌دینی به این مسئله بنگرد و صحت نظریات مطرح‌شده را با این نگاه بسنجد. این پژوهش با واکاوی دقیق منابع روایی شیعی و برخی منابع روایی اهل سنت در صدد است به سؤالات فرعی زیر که حول سؤال اصلی مطرح می‌شود پاسخ دهد تا گستره بحث امامت از آغاز سده نخست مشخص گردد.

۱. آیا ائمه علیهم‌السلام در سده نخست اهمیت بحث امامت را برای مردم بیان کرده‌اند؟

۲. ائمه علیهم‌السلام در سده نخست به کدام ویژگی‌های امام اشاره کرده‌اند؟

۳. آیا ائمه علیهم‌السلام در سده نخست از قدرت خود بر امور مافوق بشری سخن گفته‌اند؟

۴. آیا ائمه علیهم‌السلام در سده نخست از امامان پس از خود یاد کرده‌اند؟

پژوهش حاضر فارغ از نقد نظریات مطرح‌شده با نگاهی درون‌دینی به این مسئله نظر افکنده تا پاسخ سؤالات خویش را از کلام ائمه علیهم‌السلام دریافت کند. از این رو نخست اهمیت بحث امامت در کلام ائمه علیهم‌السلام تبیین شده سپس به بیان ویژگی‌های امام از نگاه ائمه علیهم‌السلام پرداخته شده است. در ادامه از آنجا که بهره‌مندی از قدرت مافوق بشری (ولایت تکوینی) یکی از مشخصه‌های امام در مکتب تشیع است، این مشخصه نیز در کلام ائمه بازگو شده و سخنان ایشان در این باره بیان گردیده است.

جایگاه و اهمیت اعتقاد به امامت

ائمه علیهم‌السلام به عنوان حافظان شریعت الهی جایگاه حقیقی امامت را برای مردم تشریح کرده‌اند. امام علی علیه‌السلام برای تبیین این مقام الهی، آن را یگانه راه وصول به توحید در جامعه معرفی کرده‌اند تا بدینوسیله با پیوند اولین رکن اعتقادی در اسلام با امامت، اهمیت آن را بر



همگان روشن سازند. ایشان فرموده‌اند: «به درستی که برای "لا اله الا الله" شروطی است و ایمان به من و فرزندان من از شروط آن است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ۲۲۶). حضرت در این سخن شرط قبولی توحید را ایمان به مقام امامت دانسته‌اند تا مردم اهمیت اعتقاد به این مقام را دریابند و بدان ایمان آورند. از نظر امام حسن (علیه السلام) نیز اهمیت امامت تا آنجاست که اگر انسان بدون شناخت امام حق از دنیا برود گویی به مرگ جاهلی از دنیا رفته است (کامل، ۱۴۲۷ ق، ۳۵). تعبیر مرگ جاهلی در کلام امام همان مرگ به شرک و کفر است. امام حسین (علیه السلام) امامت را عامل رسیدن به مقام والای عبودیت می‌دانند (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ۵۱/۱). از نظر امام سجاد (علیه السلام) نیز امامت سبب هدایت مردم است. در واقع امام به مشعلی فروزان می‌ماند که راه حق را به مردم می‌نمایاند (صحیفه سجاده، ۱۳۹۵، ۲۹۴). امام محمد باقر (علیه السلام) در تبیین مقام امامت، اعمال کسی را که از امام باطل پیروی می‌کند از نظر سستی، به خاکستری در برابر گردباد در روز طوفانی تشبیه کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱۸۴/۱). تمثیلی که امام (علیه السلام) در سخن خود به کار گرفته‌اند برگرفته از آیه ۱۸ سوره ابراهیم^۱ است. در این آیه خداوند این تمثیل را برای اعمال کافران به کار برده است.

ویژگی‌های امام

۱. انتصاب از سوی خداوند متعال

امامان (علیهم السلام) خود را حجت‌های الهی معرفی می‌کردند تا الهی بودن امامت خویش را اثبات کنند. متون روایی شیعه حاکی از روایاتی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) از مفهوم «حجت الله» برای تبیین و توصیف مقام امامت استفاده کرده‌اند. این روایات چنان فراوان است که بی‌گمان متواتر معنوی است و محقق را از بررسی سندی انبوه روایات یاد شده بی‌نیاز می‌سازد (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ۳۵؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، ۲۹/۲). واژه «خلیفه الله» که به طور مطلق و

۱. «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ» (کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، اعمالشان همچون خاکستری است در برابر وزش تندباد در یک روز طوفانی؛ آن‌ها توانایی ندارند کمترین چیزی از آنچه را انجام داده‌اند، به دست آورند؛ و این همان گمراهی دور و دراز است).

بدون تقیید، در این روایات به کار رفته بیانگر جانشینی امام در همه کارهای خداوند از جمله شأن هدایتگری و مرجعیت دینی و رهبری اجتماعی است (فاریاب، ۱۳۹۱، ۲۸۸). بنابراین اگر «حجت الله» موجب تمام شدن حجت بر مردم است، پس وی «خلیفه الله» بر روی زمین نیز هست و می‌بایست مردم را به صراط مستقیم هدایت کند (فاریاب، ۱۳۹۱، ۲۶۸). امام محمد باقر علیه السلام سوگند یاد کرده که خداوند هرگز زمین را بدون وجود امام و رهبر رها نمی‌سازد تا حجت بر بندگان تمام شود (کلینی، ۱۳۸۹، ۴۷۱/۱). حضرت در انتهای این روایت می‌فرماید: «زمین بدون حجت الهی باقی نمی‌ماند». ایشان در روایت دیگری نیز فرموده‌اند: «زمین بدون امامی آشکار یا نهان باقی نماند» (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ۴۴۶/۱). مقایسه این دو روایت نشان می‌دهد که امام همان حجت الهی است که جهان برای ادامه هستی خود به وجود او نیازمند است. در همین راستا ائمه علیهم السلام همواره می‌کوشیدند با استفاده از آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انتصاب خویش از سوی خدا را اثبات کنند. حدیث غدیر از جمله احادیثی است که در سده نخست به کرات مورد استناد ائمه علیهم السلام قرار گرفته است (ابن حنبل، ۱۴۲۱ ق، ۲۶۹/۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ۶۵-۶۶). از دیگر احادیثی که ائمه علیهم السلام در اثبات این مطلب بدان احتجاج کرده‌اند حدیث منزلت (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۵۶۰)، ثقلین (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۶۹۱) و کسا (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۵۵۹) است.

همچنین از جمله آیاتی که ائمه علیهم السلام برای اثبات این مطلب بدان احتجاج کرده‌اند آیات ولایت (قندوزی، بی‌تا، ۳۴۳/۱)، تطهیر (حموی جونی، بی‌تا، ۳۱۶/۱؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۵۵۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق/۱۹۹۰ م، ۱۸۸/۳) و مباحله (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۵۵۹) است. ایشان همچنین با تأویل برخی از آیات قرآن کریم (انفال: ۷۵؛ آل عمران: ۷؛ نور: ۳۵؛ نساء: ۵۹؛ انعام: ۱۵۳) در صدد اثبات مقام امامت الهی خویش بوده‌اند (خزاز رازی، ۱۴۰۱ ق، ۱۷۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۳۱۱/۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۶۹۱).

۲. علم الهی

ائمه علیهم السلام تصریح کرده‌اند که از علم خاصی برخوردارند. امام علی علیه السلام سوگند یاد نموده‌اند که از علم فراوان برخوردارند اما به دلایلی چون عدم ظرفیت مخاطبین نمی‌توانند



همه آنچه را می‌دانند بیان کنند (نهج البلاغه، ۱۳۸۹، خطبه ۱۷۵). ایشان علم خویش را از نوع علم انبیاء و اولیای الهی شمرده‌اند که با لطف و عنایت خاص خدای متعال و با تعلیم و دعای پیامبر ﷺ حاصل شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۶۴۳/۲). امام حسن مجتبیٰ ﷺ نیز ائمه علیهم السلام را صاحب علم منایا (مرگ و میر) و بلایا (حوادث و گرفتاری‌ها) معرفی کرده‌اند. به گفته ایشان این علم به گونه‌ای است که چون ائمه علیهم السلام شخصی را ببینند، می‌توانند حقیقت ایمان و نفاق وی را بشناسند (کوفی، ۱۴۱۰ ق، ۲۸۵). این سخن امام ﷺ نشان می‌دهد ائمه علیهم السلام علاوه بر دریافت علم از پیامبر اکرم ﷺ، از نوعی علم شهودی نیز برخوردار بوده‌اند. به این معنا که از طریق مشاهده حقایق پنهان، از ایمان یا کفر افراد آگاه می‌شدند (هاشمی، ۱۳۹۶، ۲۷۱).

از سخنان امام حسن مجتبیٰ ﷺ می‌توان به منابع دیگری از علم ائمه علیهم السلام پی برد. ایشان در اولین سفری که معاویه پس از شهادت امیرالمؤمنین ﷺ به مدینه آمد، با او احتجاج کرده و فرمودند: «حتی دیه خراش [که امر بسیار ناچیزی است] نزد ما به املاء رسول الله ﷺ و خط مبارک حضرت علی ﷺ محفوظ و مکتوب است» (طبرسی، ۱۳۸۱، ۶۲/۲). این روایت نشان می‌دهد بخشی از علومی که از رسول الله ﷺ به ائمه رسیده، از طریق آثاری است که از آن حضرت برجای مانده است (هاشمی، ۱۳۹۶، ۱۸۹). امام حسین ﷺ با اشاره به «علم کتاب» این علم را نیز از منابع علم امام ﷺ دانسته‌اند که سبب بروز کرامات می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۸۴/۴۴). امام سجاده ﷺ قسم یاد می‌کردند که «ما شجره نبوت، خاندان رحمت، کانون علم و محل رفت و آمد فرشته‌ها هستیم» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲۲۱/۱). سخنان امام زین العابدین ﷺ حاکی از این است که بخشی از علوم اهل بیت ﷺ از طریق ارتباط با فرشتگان و دریافت از آنان است؛ اما چگونگی این ارتباط، در این روایات مبهم است (هاشمی، ۱۳۹۶، ۲۳۳). امام محمد باقر ﷺ خود را جانشین و وارث علم پیامبر ﷺ معرفی کرده (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۴۷۰/۱) و به منابع دیگری از علم ائمه چون تحدیث (کلینی، ۱۳۸۹، ۷۴۱/۱) و ارتباط با عالم بالا در شب‌های جمعه نیز اشاره می‌نمودند (صفار، ۱۴۰۴ ق، ۱۳۲/۱). ایشان در همین کلام به افزوده شدن بر علم ائمه علیهم السلام در شب‌های جمعه نیز اشاره کرده‌اند. بنابراین علاوه بر علم دفعی که به ائمه علیهم السلام داده شده نوعی علم تدریجی نیز به آن‌ها عطا می‌شود. این موضوع در قرآن نیز آمده است (طه: ۱۱۴).

بدین ترتیب جهات بهره‌مندی امام از دانش الهی ذیل دو عنوان کلی قرار دارد: «تحدیث و الهام» و «وراثت و أخذ از رسول‌الله ﷺ». اگر منشأ علم امام تحدیث و الهام باشد، علم از جانب خداوند به انحاء مختلف به امام اعطا شده و چنانچه منشأ علم امام، وراثت باشد، علم از جانب پیامبر ﷺ به انحاء مختلف به امامان، یکی پس از دیگری، انتقال پیدا کرده است (ملاتوری شمسی، ۱۳۹۴، ۱۸). در نتیجه امامان علیهم‌السلام نه تنها به صراحت اعلام کرده‌اند که از علمی خاص بهره‌مندند بلکه به شیوه دریافت این علم خاص نیز اشاره نموده‌اند.

۳. عصمت

ائمۀ علیهم‌السلام در سده نخست به آیه تطهیر احتجاج کرده و خود را مصداق اهل بیت پیامبر ﷺ دانسته‌اند که با اراده الهی از رجس و پلیدی دور شده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۰ م، ۱۸۷۳؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۵۵۹؛ ابن طاووس، ۱۳۷۸، ۲۰۹/۱). البته امام محمد باقر علیهم‌السلام به مفهوم آیه تطهیر اشاره کرده و فرموده‌اند: «به راستی ما را نتوان وصف کرد. و چگونه وصف شوند مردمی که خدا پلیدی را از آن‌ها برداشته و آن شک و تردید است» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۴۶۷/۳). هر چند امام علیهم‌السلام در این روایت به یکی از مصادیق رجس یعنی شک و تردید اشاره کرده‌اند اما به صراحت اعلام کرده‌اند که مقصود از اهل بیت، ائمۀ معصومین علیهم‌السلام هستند که حق تعالی طاعت آن‌ها را با طاعت خویش قرین کرده و فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹)؛ از نظر حضرت، امامان ذوات معصوم و پاکی هستند که مرتکب گناهی نمی‌شوند و نافرمانی نمی‌کنند و مورد تأیید و پشتیبانی خداوند هستند. روح القدس از آنان جدا نمی‌شود و ایشان نیز از او مفارقت نمی‌کنند. از قرآن جدا نمی‌شوند و قرآن نیز از آنان جدا نمی‌شود (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ۲۹۵/۱). در حقیقت حضرت، راز عصمت امامان را تأیید الهی و همراهی با قرآن و روح القدس دانسته‌اند.

از آنجا که برخی در این عصر گمان می‌کردند مصداق اهل بیت علیهم‌السلام در آیه تطهیر همسران پیامبر اکرم ﷺ هستند، ائمۀ علیهم‌السلام در صدد زدودن این شبهه از اذهان برآمده و به تفسیر و توضیح آیه تطهیر پرداخته‌اند. چنان که امام سجاد علیهم‌السلام تصریح نموده‌اند برخی از مردم جاهل گمان می‌کنند مراد از اهل بیت علیهم‌السلام، همسران پیامبر ﷺ هستند. به خدا قسم هر کس

چنین خیال کند، گناهکار است و دروغ گفته زیرا اگر مقصود همسران آن حضرت بودند، به جای کلمه «عَنکُم» باید از «عَنکُنَّ» و به جای «يُطَهِّرُكُمْ» باید از «يُطَهِّرُكُنَّ» استفاده می‌شد. چنان که در آیات سابق همین طور بوده و در آیه «وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ» نیز ضمیر تأنیث آمده است. بنابراین آیه تطهیر، ویژهٔ خمسۀ طیبه نازل شده و همسران پیامبر ﷺ مشمول مفاد آیه نیستند (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۲۰۷/۳۵). ناگفته نماند احتجاج‌های ائمه به آیه تطهیر نه تنها در کتب شیعی بلکه در کتب اهل سنت نیز مورد تأیید قرار گرفته است (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ق، ۲۰۶/۱۳؛ ترمذی، ۱۹۹۸، م، ۲۰۴/۵؛ حاکم، ۱۴۱۱، ق، ۱۹۹۰، م، ۴۵۱/۲).

۴. ولایت تکوینی

اگر انسان از معرفت راستین، یقینی و شهودی بهره برد، ولایت تکوینی پیدا می‌کند؛ بدین معنا که می‌تواند در حوادث جهان تصرف کند و با نیروی روحی و معنوی، کرامات و افعال خارق‌العاده‌ای از خود بروز دهد (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶، ۴۶۲). صاحب این مقام دارای «علم کتاب» است و به نسبت بهره‌اش از این علم، ولایتش بر مخلوقات افزایش می‌یابد (گنجی، ۱۳۸۶، ۳۰۲). «علم کتاب» نوعی دانستن است که نه صرفاً مقدمهٔ قدرت، بلکه عین توانستن است (صالح، ۱۳۹۳، ۱۱۴). بنابراین مفهوم «علم الکتاب» قدرت اهل بیت ﷺ در تکوین را به اثبات می‌رساند (صالح، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵). این قدرت سبب ظهور کرامات بسیاری از ایشان شده است (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ق، ۳/۵). بررسی روایات ائمه ﷺ در سدهٔ نخست هجری نشان می‌دهد هر چند ایشان از این اصطلاح کلامی سخنی به میان نیاورده‌اند ولی از لازمهٔ آن یعنی «علم کتاب» به صراحت سخن گفته‌اند. حضرت علی ﷺ در این زمینه به صراحت فرموده‌اند: «من همان کسی هستم که نزد او علم کتاب است» (صفار، ۱۴۰۴، ق، ۲۱۶/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۴۳۲/۳۵). امام حسین ﷺ نیز تصریح کرده‌اند منشأ کرامات و قدرت تصرف ایشان در کائنات، آگاهی به علم کتاب است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ق، ۵۲/۴). امام محمد باقر ﷺ نه تنها ائمهٔ اطهار ﷺ را صاحب علم کتاب معرفی کرده‌اند بلکه به بهرهٔ بیشتر ائمه ﷺ از سایر اولیاءالله تأکید کرده‌اند و علت این امر را به آگاهی بیشتر ایشان به اسم اعظم الهی نسبت داده‌اند (صفار، ۱۴۰۴، ق، ۲۰۹/۱).

مقام ولایت تکوینی، منصب خلافت کبری است که به واسطه این مقام، صاحب ولایت، واسطه میان خداوند و سایر موجودات می گردد. ائمه اطهار علیهم السلام صاحب این منصب هستند. ایشان از گذر این مقام، چنان سلطه‌ای بر جهان می‌یابند که بدون وجود آن‌ها، جهان از هم می‌پاشد (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۶، ۴۶۳). امام حسن علیه السلام با بیان خطبه‌ای نسبتاً کامل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این مطلب اشاره کرده‌اند (خزاز رازی، ۱۴۰۱، ۱۶۳). ائمه اطهار علیهم السلام همان حجت‌های الهی‌اند که به واسطه آن‌ها فیوضات و برکات الهی بر اهل زمین ریزش می‌کند. این همان ولایت تکوینی است که به ایشان تفویض شده است (معرفت، ولایت تکوینی، ۲۴). ولایت بر کائنات مقامی بس بزرگ است که خداوند متعال آن را به بندگان خاص خویش عطا می‌کند. امام سجاد علیه السلام هر روز پس از نماز، خداوند را به خاطر این نعمت الهی سپاس می‌گفتند (صحیفه سجاده، ۱۳۹۵، دعا ۱، ۲۲).

تصریح بر امامت امام پس از خود

هر یک از امامان علیهم السلام در سده نخست بر امامت امام پس از خود تصریح کرده و کتاب و سلاح خود را به او تحویل داده است. سلیم بن قیس هلالی نقل کرده است: «من خود گواه بودم که امیرالمؤمنین علیه السلام به پسرش حسن علیه السلام وصیت کرد و حسین و محمد علیهما السلام و همه اولاد و رؤسای شیعه و خاندانش را گواه گرفت. سپس کتاب و سلاح امانت را به او تحویل داد و فرمود: ای پسر، رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود که به تو وصیت کنم و کتاب‌ها و سلاح خود را به تو واگذارم. چنان که رسول الله صلی الله علیه و آله به من وصیت کرد و کتاب‌ها و سلاحش را به من تحویل داد و فرمود: به تو امر می‌کنم که چون مرگت فرارسید، آن‌ها را به برادرت حسین بسپاری و سپس رو به حسین پسرش کرد و فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله به تو فرموده که آن‌ها را به این پسر رد کنی و سپس دست علی بن الحسین را گرفت و به علی بن الحسین فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله به تو فرمود که آن‌ها را به پسر محمد بن علی بدهی و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و من به او سلام برسان» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۲۹۷؛ هلالی، ۱۴۰۵، ۲/۹۲۴). این روایت گویای این است که امام علی علیه السلام به نام تک تک ائمه علیهم السلام در سده نخست تصریح کرده‌اند.



مشابه این روایت از سایر ائمه علیهم السلام در همین سده گزارش شده که بر امامت امام پس از خود تصریح فرموده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ۴۷۵/۱؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱، ۲۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳۱/۴۶).

تصریح بر تعداد ائمه علیهم السلام

بر اساس نقل‌های متعددی که در کتب معتبر شیعه و سنی وجود دارد، رسول‌الله صلی الله علیه و آله پیشوایان پس از خود را دوازده مرد قریشی معرفی کرده‌اند (بخاری، ۱۴۲۲، ۸۱/۹؛ مسلم، بی‌تا، ۱۴۵۳/۳؛ ترمذی، ۱۹۹۸، ۷۱/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ۲۷۹/۶؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱، ۴۴۰/۳۴) اما متأسفانه در این روایات مصادیق این دوازده نفر، سهواً یا عمدتاً توسط راویان این احادیث ذکر نشده است. همین امر سبب شده از همان سده نخست عالمان اهل سنت به شرح و تفسیر این احادیث بپردازند (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۴۰۸/۶۵). از این رو ائمه علیهم السلام به شرح و تفسیر احادیث مذکور همت گماشته و از مصادیق حقیقی این دوازده مرد یعنی «ائمه اهل بیت علیهم السلام» سخن به میان آورده‌اند. در تمام این روایات از «دوازده امام» نام برده شده که نه تن از ایشان از صلب حسین بن علی علیه السلام است (خرزاز رازی، ۱۴۰۱، ۲۱۷ و ۲۲۳ و ۱۷۳ و ۱۷۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۵۳۳/۱). در برخی از این روایات نیز به نام تک تک ائمه علیهم السلام تصریح شده است (خرزاز رازی، ۱۴۰۱، ۲۱۷).

عقیده مهدویت

ائمه در سده نخست بر این مطلب تأکید کرده‌اند که مهدی امت اسلام از نسل امام حسین علیه السلام است (نعمانی، ۱۴۱۱، ۲۱۴؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۳۱۸/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۵۳۳/۱). از این رو نام حسین علیه السلام و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شاخصی است تا راه هر شبهه و اشتباهی بر امت اسلام مسدود شده و بتوانند به راحتی خلفای الهی و جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله را بشناسند و صراط مستقیم الهی را گم نکنند (انصاری، ۱۳۹۱، ۲۸).

ائمه علیهم السلام همچنین به غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و علل آن اشاره کرده‌اند. همه ایشان آزمایش‌بندگان را از علل غیبت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته‌اند (قندوزی، بی‌تا، ۲۴۹/۳؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱، ۱۶۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۳۲۳/۱). البته «عدم بیعت با طاغوت‌های زمان» از دیگر عللی است

که ائمه علیهم السلام بدان اشاره کرده‌اند (خزاز رازی، ۱۴۰۱ ق، ۲۲۵؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ۳۱۶/۱؛ طبرسی، ۱۳۹۰، ۴۲۷). علت این امر آن است که مهدی موعود علیه السلام مأمور به مبارزه آشکار با همه ظالمان است. به همین سبب تا آماده شدن شرایط، در پس پرده غیبت به سر می‌برد تا مجبور نباشد با دشمنان خدا عهد و پیمانی ببندد (بالا دستیان، حائری‌پور، یوسفیان، ۱۳۹۴، ۱۰۰).

ائمه اطهار علیهم السلام از نشانه‌های ظهور مهدی موعود علیه السلام نیز به تفصیل سخن گفته‌اند تا مردم با شناخت این نشانه‌ها بتوانند او را بشناسند و در هنگام ظهور به یاری‌اش بشتابند. روایات گوناگون نشان‌دهنده این امر است که امام علی علیه السلام در اوایل سده نخست، فراگیری ظلم و ستم (مرعشی، ۱۴۰۹، ۳۱۷/۱۳)، ظهور سفیانی (قندوزی، بی‌تا، ۲۴۷/۳؛ یزدی حائری، ۱۴۲۲ ق، ۱۶۴/۲)، خسف بیداء (قندوزی، بی‌تا، ۲۴۷/۳)، ندای آسمانی (ابن طاووس، ۱۴۱۶ ق، ۱۳۳)، بازگشت حضرت عیسی علیه السلام، ظهور دجال (یزدی حائری، ۱۴۲۲ ق، ۱۷۱/۲)، قیام سپاه یمانی و خراسانی (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲۷۴/۵۲؛ یزدی حائری، ۱۴۲۲ ق، ۹۹/۲) و کشته شدن نفس زکیه (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۸۲/۵۳) را از جمله علایم پیش از ظهور حضرت مهدی موعود علیه السلام دانسته‌اند. این روایات همچنین گویای این است که امام محمد باقر علیه السلام در اواخر این سده نیز از همان نشانه‌هایی سخن گفته‌اند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام پیشتر بیان کرده بودند (نعمانی، ۱۳۹۷، ۲۳۵؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ۳۳۱/۱؛ کوفی، ۱۴۱۰ ق، ۱۳۹). بنابراین نشانه‌های ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام از نگاه همه ائمه علیهم السلام یکسان بوده است. اما هر یک به فراخور شرایط زمانی و مکانی از این نشانه‌ها سخن گفته‌اند.

انقلاب حضرت مهدی علیه السلام نیازمند زمینه‌ها و شرایط ویژه‌ای است. یکی از مهمترین آن‌ها وجود یاران شایسته و لایق برای حمایت و پشتیبانی از این انقلاب است. روایات ائمه علیهم السلام در سده نخست بیانگر این مطلب است که اکثریت یاران حضرت مهدی علیه السلام، جوانان (نعمانی، ۱۳۹۷ ق، ۳۱۶) مؤمن (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۸۷/۵۱) و حکیمی هستند که دیده‌هایشان به نور قرآن جلا یافته (نهج البلاغه، ۱۳۸۹، خطبه ۱۵۰) و به مقام معرفت خدای سبحان رسیده‌اند (اربلی، ۱۳۸۱ ق، ۴۷۸/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۸۷/۵۱). آن‌ها ۳۱۳ نفرند که با ملائکه الهی همراه می‌شوند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۳۵/۵۱) و به تدریج بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق، ۳۳۱/۱).



ائمۀ علیهم السلام از ویژگی های حکومت مهدی موعود علیه السلام نیز سخن گفته اند. از نظر ایشان حضرت مهدی موعود علیه السلام به شیوۀ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حکومت می کنند (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۳۸۱/۵۲) و عدالت را در پهنۀ گسترده هستی برقرار می سازند و دستور رعایت عدل در میان مردم را می دهند به گونه ای که گوسفند و گرگ در یک جا می چرند (سلمی، ۱۴۱۰، ق، ۲۳۲/۱). ایشان همه اندیشه ها را تابع قرآن ساخته (نهج البلاغه، ۱۳۸۹، خطبه ۱۳۸) و صلح و آرامش برقرار می کنند (طبرسی، ۱۴۰۳، ق، ۲۹۱/۲). به گونه ای که همه خیرها و خوبی ها مستقر می شود (سلمی، ۱۴۱۰، ق، ۱۳۳/۱) و زشتی ها و پلیدی ها از میان می رود. مردم علم و حکمت می آموزند (نعمانی، ۱۳۹۷، ق، ۲۳۹) و بدین ترتیب زمینه گسترش اسلام در سرتاسر هستی فراهم می شود (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ق، ۳۳۱/۱).

نتیجه گیری

پس از تأمل در کلام ائمۀ علیهم السلام در خصوص امامت در سده نخست، نتایجی به شرح زیر به دست آمد:

۱. آنچه امروز به عنوان عقاید شیعه پذیرفته شده در کلام ائمۀ علیهم السلام در سده نخست نیز نقل شده است. احادیث ائمۀ علیهم السلام نه تنها در بحث امامت مؤید یکدیگرند بلکه هیچ تفاوتی در کلام آن ها در گسترۀ موضوع امامت نیست. در واقع روایات گویای این است که آنچه امیرالمؤمنین علیه السلام در آغاز سده نخست بیان کرده اند توسط ائمۀ بعد نیز تأیید و ترویج شده است.

۲. کلام ائمۀ علیهم السلام در تبیین اهمیت و جایگاه عقیده امامت همسو و هماهنگ است. ایشان عقیده امامت را تنها راه هدایت انسان به سوی توحید و عبودیت می دانند. از نظر ایشان اگر انسان امام خود را شناسد راه توحید را گم کرده و به سرنوشت کافران دچار می گردد.

۳. کلام ائمۀ علیهم السلام در سده نخست در تبیین ویژگی های امام گویا و آشکار است. ائمۀ علیهم السلام به صراحت از خود به عنوان حجت های الهی بر روی زمین یاد کرده اند. آن ها به علم خاص خویش اشاره کرده و منابع مختلفی برای این علم برشمرده اند. ایشان با استناد به آیه تطهیر عصمت خویش را نیز برای مردم اثبات کرده اند.

۴. کاوش در کلام ائمه علیهم السلام در سده نخست نشان می‌دهد که ایشان نه تنها از قدرت مافوق بشری خود سخن گفته و آن را اظهار کرده‌اند بلکه به لازمه آن یعنی «حاطه بر علم کتاب» نیز اشاره کرده‌اند.

۵. ائمه علیهم السلام در سده نخست نه تنها بر نام امام پس از خود تصریح کرده‌اند بلکه «ائمه دوازده گانه» را مصداق حدیث مشهور نبوی «دوازده مرد قریشی» پس از رسول الله صلی الله علیه و آله دانسته‌اند که نه تن آنان از نسل امام حسین علیه السلام هستند. ایشان از امام دوازدهم، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نیز به تفصیل سخن گفته‌اند.





منابع

- * **قرآن**، ناصر مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ ش.
- ** **نهج البلاغه**، حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۹ ش.
- *** **صحیفه سجادیه**، ترجمه حسین انصاریان، مشهد، به نشر، ۱۳۹۵ ش.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، **شرح نهج البلاغه**، قم، مکتبه آیه الله مرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**، قم، جامعه مدرّسین، ۱۳۶۲ ش.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **امالی**، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
 ۴. ابن بابویه، محمد بن علی، **علل الشرایع**، ترجمه محمد علی سلطانی، تهران، ارمغان طوبی، ۱۳۹۲ ش.
 ۵. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، تهران، اسلامی، ۱۳۹۵ ش.
 ۶. ابن بابویه، محمد بن علی، **معانی الاخبار**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
 ۷. ابن حنبل، احمد بن محمد، **مسند الامام احمد بن حنبل**، بی جا، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ ق.
 ۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، **مناقب آل ابی طالب**، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
 ۹. ابن طاووس، علی بن موسی، **التشريف بالمنن في التعريف بالفتن**، قم، مؤسسه صاحب الامر، ۱۴۱۶ ق.
 ۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی، **اللهوف في قتل الطفوف**، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، بی جا، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۸ ش.
 ۱۱. ابن عساکر، علی بن حسن، **تاریخ مدینه دمشق**، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
 ۱۲. ابن کثیر، البداية والنهاية، بی جا، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
 ۱۳. اربلی، علی بن عیسی، **كشف الغمة في معرفة الائمة**، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
 ۱۴. انصاری، محمد باقر، **از حسین تا مهدی از کربلا تا ظهور**، قم، دلیل ما، ۱۳۹۱ ش.
 ۱۵. بالا دستیان، محمد امین، محمد مهدی حائری پور، مهدی یوسفیان، **تکین آفرینش ۱**، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۹۴ ش.
 ۱۶. بخاری، ابو عبدالله، **صحیح بخاری**، بی جا، دارالطوق النجاه، ۱۴۲۲ ق.

۱۷. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، **فرهنگ شیعه**، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۶ ش.
۱۸. ترمذی، محمد بن عیسی، **السنن ترمذی**، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۸ م.
۱۹. تمیمی آمدی، عبدالله بن محمد، **غورالحکم و دررالکلم**، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۰. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۰ م.
۲۱. حموی جونی، ابراهیم بن محمد، **فرائد السمطین**، بیروت، مؤسسه المحمودی، بی تا.
۲۲. خراز رازی، علی بن محمد، **کفایة الاثر**، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۲۳. سلمی، یوسف بن یحیی، **عقد الدرر فی اخبار المنتظر**، الاردن، مکتبه المنار، ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۸۹ م.
۲۴. سلیمانیان، مصطفی، **مقامات امامان علیهم السلام**، قم، کتاب فردا، ۱۳۹۸ ش.
۲۵. صالح، محمد حسن، ارتباط مفهوم علم الکتاب و ولایت تکوینی اهل بیت علیهم السلام، **معرفت کلامی**، س ۵، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش، صص ۹۹-۱۱۸.
۲۶. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام**، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۷. طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج**، بهراد جعفری، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، **اعلام الوری**، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰ ش.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، **الامالی**، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۳۰. فاریاب، محمد حسین، **معنا و چیستی امامت در قرآن و سنت و آثار متکلمان**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ ش.
۳۱. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، **ینابیع المودة**، بی جا، اسوه، بی تا.
۳۲. کامل، سلیمان، **یوم الخلاص فی ظل القائم المهدي**، قم، دارالمجتبی، ۱۴۲۷ ق/ ۲۰۰۶ م.
۳۳. کدیور، محسن، **قرائت فراموش شده، بازتاب اندیشه**، ش ۷۶، مرداد ۱۳۸۵ ش، صص ۵۷۵-۵۷۸.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
۳۶. کوفی، احمد بن اعثم، **الفتوح**، بی جا، بی تا.

۳۷. کوفی، فرات بن ابراهیم، **تفسیر فرات الکوفی**، تهران، مؤسسه الطبع والنشر فی وزاره الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۳۸. گنجی، حسین، **امام شناسی**، قم، مجمع جهانی شیعه شناسی، ۱۳۸۶ ش.
۳۹. مادلونگ، **فرقه های اسلامی**، ترجمه ابوالقاسم سرّی، بی جا، اساطیر، ۱۳۷۷ ش.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۱. مجمع عالی حکمت اسلامی، **نقد و بررسی نظریه تطوّر تاریخی تشیع**، قم، حکمت اسلامی، ۱۳۹۵ ش.
۴۲. مدرسی طباطبایی، حسین، **مکتب در فرایند تکامل؛ نظری بر تطوّر مبانی فکری تشیع در سه قرن نخست**، ترجمه هاشم ایزد پناه، تهران، کویر، ۱۳۸۶ ش.
۴۳. مرعشی، نورالله، **احقاق الحق وازهاق الباطل**، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۹ ق.
۴۴. مسلم بن حجّاج، **صحیح مسلم**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۴۵. مطهری، مصطفی، **نقش عناصر تاریخی در تبیین عقاید اهل بیت (علیهم السلام)**، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۹۴ ش.
۴۶. معرفت، محمد هادی، **ولایت تکوینی**، تهران، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۷۷ ش.
۴۷. مفید، محمد بن محمد، **الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۴۸. ملا نوری شمسی، محمد رضا، **بررسی منابع علم امام با تکیه بر روایات کتاب بصائر الدرجات، هفت آسمان**، س ۱۷، ش ۶۵، ۱۳۹۴ ش، صص ۲۰-۵.
۴۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبه للنعمانی**، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
۵۰. هاجسون، مارشال، **فرقه گرایی تشیع نخستین**، ترجمه اکبر باقری، **هفت آسمان**، س ۲۱، ش ۷۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش، صص ۵۷-۲۵.
۵۱. هاشمی، علی، **ماهیت علم امام (علیه السلام) بررسی تاریخی و کلامی**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)، ۱۳۹۶ ش.
۵۲. هلالی، سلیم بن قیس، **کتاب سلیم بن قیس**، ترجمه محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم، الهادی، ۱۴۰۵ ق.
۵۳. یزدی حائری، علی، **الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب**، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۲۲ ق.